

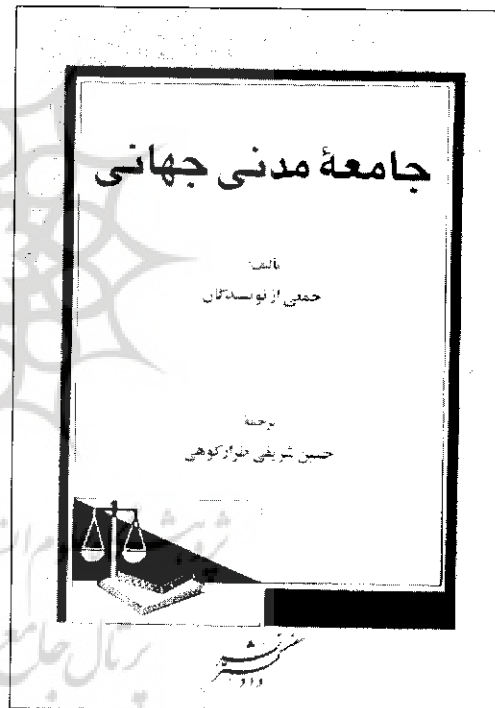
زوال

دولت محوری

○ جهانگیر معینی علمداری
دکترای علوم سیاسی - دانشگاه تهران

تا گذشته نزدیک دو اصطلاح «ملی» و «فراملی» در عرصه روابط بین‌الملل کاربردهای زیادی داشتند و نظریه‌پردازان امور بین‌المللی را در یکی از این دو چارچوب قرار می‌دادند. منظور از سطح تحلیل ملی، واحد ملت - دولت است. در این تعبیر حاکمیت با دولت‌هاست و ملت - دولت، موضوع اصلی بحث محسوب می‌شود؛ در حالی که امر فراملی با توانایی مردم در سازماندهی امور و مسایل خویش در خارج از چارچوب یک ملت - دولت خاص ارتباط پیدا می‌کند. این روزها اصطلاح دیگری رایج شده و به عنوان سطح تحلیل مدام به آن ارجاع می‌شود. منظورمان سطح تحلیل «جهانی» است. البته امر جهانی جنبه فراملی دارد، ولی نمی‌توان فراملی را با جهانی یکی گرفت. امر جهانی در مقیاس کلی و جانشمول بکار گرفته می‌شود؛ درحالی که امر فراملی، هرچند از مرزهای ملی کشورها فرامی‌گذرد، ولی نیازی نیست که جهانشمول باشد.

به طور کلی میل به جهانی‌سازی یکی از گرایش‌های عمده در تفکر و سیاست معاصر محسوب می‌شود. نتیجه آن، تکثیر نظریه‌ها و واژه‌هایی است که «جهانی» پسوند آنها را تشکیل می‌دهد. مانند: اقتصاد جهانی، شبکه جهانی اینترنت، دموکراسی جهانی، جهانی شدن، شهروند جهانی و غیره. در سال‌های اخیر اصطلاح جامعه مدنی جهانی نیز به این جمع افزوده شده است. این تحول در نام‌گذاری زائیده یک پیشداوری و مد عمومی نیست و بدون شک از روی تفنن نیز صورت نگرفته، بلکه از تحولات عمیق‌تری در بطن سیاست‌های جهانی نشأت می‌گیرد. این که دنیای امروز نه تنها دیگر دنیای کشورها و جوامع دور از هم و جدا افتاده نیست بلکه دنیایی است که در آن معیارها و ارزش‌های جهانی مقبولیت بیشتری یافته، ارتباطات بین‌المللی در حال گسترش است و اقتصاد جهانی معنای بیشتری پیدا کرده است. در چنین شرایطی، اموری که در گذشته تنها در سطح داخلی کشورها قابل تصور بودند، اکنون ابعاد جهانی پیدا کرده‌اند. به عبارتی امور داخلی، به طریق آنالوژیک، تعمیم بین‌المللی و جهانی یافته‌اند. اصطلاح جامعه مدنی جهانی نیز



- جامعه مدنی جهانی (مجموعه مقالات)
- ترجمه حسین شریفی طراز کوهی
- دادگستر
- ۱۳۷۸

چکیده:

این مقاله به بررسی کتابی درباره یکی از مفاهیم تازه در روابط بین‌الملل اختصاص دارد. هواداران رویکرد جامعه مدنی جهانی مدعی‌اند که توانسته‌اند به دستاوردهای جدیدی در زمینه روابط بین‌الملل دست پیدا کنند. اصول عمده آنها عبارت است از: کاستن از محوریت دولت‌ها، تأکید بر نقش سازمان‌های غیردولتی و جنبش‌های جدید اجتماعی، تلاش برای استقرار صلح و خانمه دادن به ستیز میان ملت‌ها و استقرار ترتیبات جدید جهانی. بیدگاه جامعه مدنی جهانی از طریق آنالوژیک و با گرنه‌برداری از نظریه‌های موجود درباره جامعه مدنی و دموکراسی پدید آمده است. مقاله حاضر به دو بخش تقسیم می‌شود. در ابتدا ویژگی‌های عمده رویکرد جامعه مدنی جهانی ذکر می‌شود و سپس زمینه‌های شکل‌گیری جامعه مدنی جهانی و پیش‌شرط‌های لازم برای آن تشریح می‌شود. مقاله با اشارات کوتاهی درباره نوکران فارسی این مجموعه مقالات به پایان می‌رسد.

ویژگی های جامعه مدنی جهانی

شاید نکته‌ای که بیش از هر چیز توجه خواننده را به سمت خود جلب کند، متفاوت بودن دیدگاه‌های ارائه شده است. مباحث مطرح شده در کتاب با رویکردهای سنتی و قدیمی موجود در روابط بین‌الملل فرق دارد. از این رو ممکن است در ابتدا کسانی را که با این استدلال‌ها آشنایی ندارند، شگفت‌زده کند. اگر خواننده منطق اصلی بحث را به درستی تشخیص ندهد و نتواند ارتباط صحیحی بین این دیدگاه‌ها و نظریه‌های جدید در حقوق و روابط بین‌الملل برقرار کند، این شگفت‌زدگی تا پایان ادامه خواهد داشت و او نخواهد توانست با موضوع ارتباط برقرار کند. به همین دلیل شاید بهتر باشد که در ابتدای این مقاله برخی ویژگی‌های جامعه مدنی جهانی را از قول نویسندگان کتاب بیان کنیم. گوردن کریستین سن در نخستین مقاله کتاب با عنوان «جامعه مدنی جهانی و حاکمیت حقوق بین‌الملل» می‌نویسد که برخلاف جامعه مدنی در کشورهای لیبرال، جامعه مدنی جهانی قطع نظر از سلطه دولت‌های دارای حاکمیت و رژیم‌های بین‌المللی استقرار می‌یابد. جامعه مدنی جهانی از افراد و گروه‌ها در قالب اجتماعات و موسسات اختیاری بدون در نظر گرفتن هویتشان به عنوان شهروندان یک کشور خاص و فراتر از قلمرو سیاسی و عمومی اجتماعات ملی ساخته می‌شود (ص ۲۱). از تعریف ارائه شده می‌توان حدس زد که نهادهای جامعه مدنی جهانی فراتر از همه دولت‌های دارای حاکمیت و سازمان‌های بین‌المللی رشد می‌کنند و شامل مجموعه‌ها و گروه‌بندی‌های داوطلب‌اند. این یکی از ویژگی‌های متمایز این پدیده است که بر طبق آن جامعه مدنی جهانی از کنترل دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی خارج و از یک هویت خاص و ممتاز برخوردار می‌شود. مبنای شکل‌گیری این مفهوم، از دیدگاه هوادارانش، کرامت انسانی است و شیوه اجرای آن نیز بیشتر راهکارهای فرهنگی است.

ویژگی دیگری که برای جامعه مدنی جهانی برمی‌شمرند تحول مفهوم شهروندی است که یکی از حادترین و مناقشه‌برانگیزترین جنبه‌های این نظریه را تشکیل می‌دهد و حتی باعث بروز اختلاف و نفاق میان هواداران این دیدگاه شده است. طبق تعریف مبنای اصلی ایجاد جامعه مدنی جهانی برقراری تلقی جدیدی از مفهوم شهروندی است که در آن شهروند دیگر تنها به یک واحد سرزمینی خاص تعلق نداشته باشد بلکه یک شهروند جهانی نیز باشد. براساس همین طرز تلقی دیوید هلد در بخشی از مناظره خود با باری بوزان این طور اظهارنظر می‌کند که دموکراسی برای هزاره جدید باید جهانی را تبیین کند که شهر آنها شامل شهروندانی چندگانه باشد. آنها باید هم شهروندان جوامع خود باشند، هم شهروندان

روابط بین‌المللی در حال گسترش است

جامعه مدنی جهانی از افراد و گروه‌ها در قالب اجتماعات و موسسات اختیاری بدون در نظر گرفتن هویتشان به عنوان شهروندان یک کشور خاص و فراتر از قلمرو سیاسی و عمومی اجتماعات ملی ساخته می‌شود

دیوید هلد: دموکراسی برای هزاره جدید باید جهانی را تعریف کند

که شهر آن شامل شهروندانی چندگانه باشد؛ آنها باید هم شهروندان جوامع خود باشند،

هم شهروندان مناطق گسترده‌ای که در آنها زندگی می‌کنند و هم

شهروندان یک جامعه جهانی جهان‌گرایانه

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

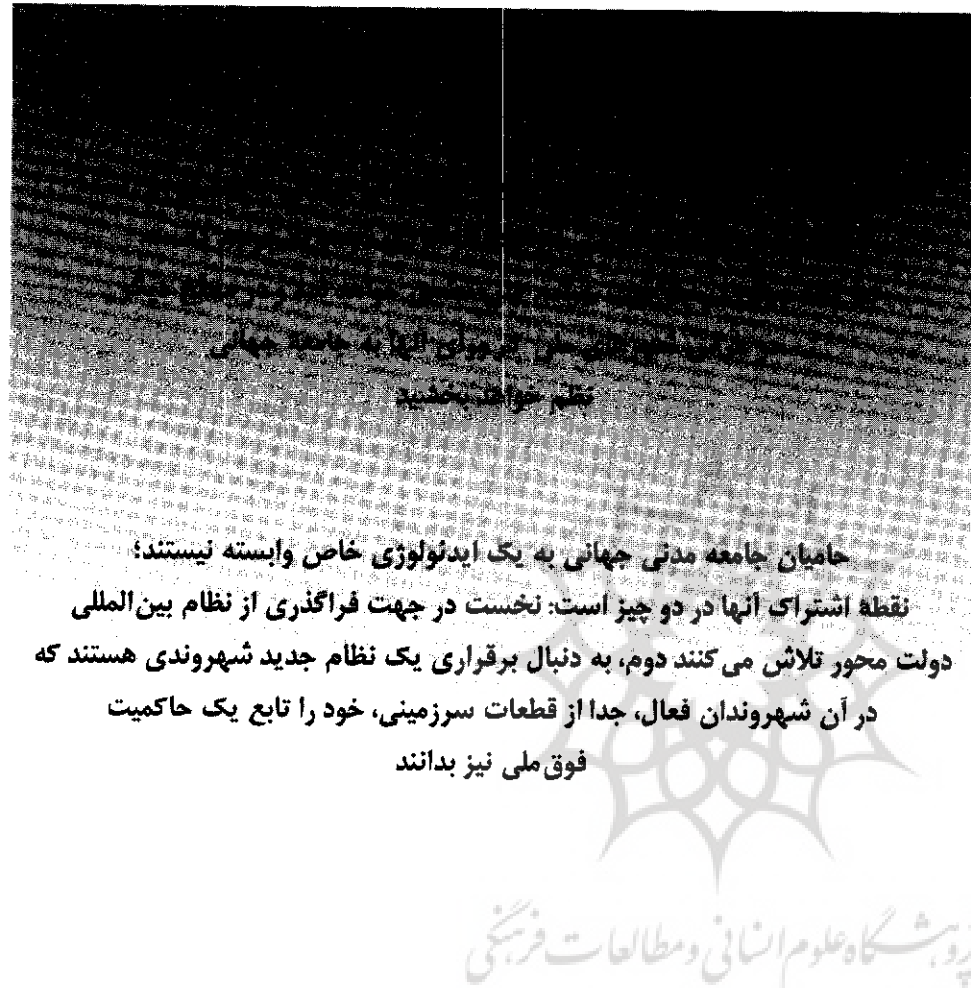
این مقاله‌ها در دو زمینه حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل است و مسئله جامعه مدنی جهانی موضوع اصلی همه آنها را تشکیل می‌دهد. نقطه اشتراک دیگر آن است که همه این نوشته‌ها نسبت به جامعه مدنی جهانی موضعی تأییدآمیز دارند. در این میان، تنها یک استثناء وجود دارد و آن مناظره باری بوزان و دیوید هلد است. بوزان از اعضای آخرین نسل نظریه‌پردازان واقع‌گرا محسوب می‌شود؛ درحالی که دیوید هلد از مشهورترین هواداران دیدگاه «دموکراسی جهان شهری» Cosmopolitan democracy می‌باشد. در این مناظره خوانندگی بوزان رویه‌ای انتقادی و هلد رویه‌ای مدافعه‌جویانه در قبال جامعه مدنی جهانی اتخاذ کرده‌اند. به هر حال، هرکدام از نویسندگان کتاب از زاویه‌ای خاص به موضوع نگریسته‌اند که در نوع خود می‌تواند اطلاعات جدیدی را در اختیار خوانندگان ایرانی قرار دهد.

براساس چنین آنالوژی ساخته شده است. در نظریه‌های سیاسی، جامعه مدنی را حوزه جدا و مستقل از دولت می‌دانند. این مرزبندی را معمولاً بین امور غیردولتی و حوزه عمومی دولت در سطح ملی قائل می‌شوند. در نظریه جامعه مدنی جهانی، چارچوب ملی جای خود را به سطح تحلیل جهانی می‌دهد و ایده شکل‌گیری جامعه مدنی در مقیاس جهانی مورد بحث قرار می‌گیرد.

اگر بگوییم در حال حاضر مسئله جامعه مدنی جهانی، در کنار جهانی شدن (globalization)، یکی از مهم‌ترین بحث‌های روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد، سخنی به گزافه نگفته‌ایم. در چند سال اخیر ده‌ها اثر در این باره منتشر شده است. معدودی از این آثار به زبان فارسی برگردانده شده است. کتاب «جامعه مدنی جهانی» یکی از این آثار است. این مجموعه به همت آقای «حسین شریفی طرازکوهی» گردآوری شده و مشتمل بر ده مقاله است. مترجم گرامی این مقالات را از منابع مختلف برگزیده و در یک جا گردآورده است. بخش عمده

مناطق وسیع و گسترده که در آنها زندگی می‌کنند و هم شهروندان یک جامعه جهانی جهان‌گرایانه (ص ۱۳۴). از فحوای کلام هلد می‌توان این طور فهمید که در آینده مفهوم دوگانه شهروندی می‌تواند وجود داشته باشد. به صورتی که فرد هم تبعه یک دولت و هم شهروند تریبیت غیرسرزمینی و مکان‌زدایی شده باشد. جالب این است که هلد ظهور این شهروندی نوع دوم را پایه پیشرفت دموکراسی و انتقال آن به سطح بالاتر می‌داند. از این دیدگاه معمولاً زیرعنوان دیدگاه نرم‌تر جامعه مدنی جهانی نام برده می‌شود. در پاسخ به آن دست‌کم دو دیدگاه مخالف ابراز شده است. یکی دیدگاه واقع‌گرایان روابط بین‌الملل و سایر کسانی که حاکمیت دولت‌ها را خدشه‌ناپذیر می‌دانند و معتقدند ملت - دولت‌ها موضوع‌های اصلی روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهند. طبق نظر آنها به خاطر وجود رقابت بین کشورها و اصل منافع ملی تصور جامعه مدنی جهانی دور از ذهن خواهد بود، زیرا ورای این منافع و رقابت‌ها نمی‌توان کلیت واحد جهانی را تصور کرد. به علاوه، آنها چنین استدلال می‌کنند که چرا باید انتظار داشت جامعه مدنی جهانی از بی‌نظمی و خشونت کمتری از نظام دولت محور برخوردار باشد. این انتقاد به نوبه خود می‌تواند بسیار مهم باشد. زیرا همان‌طور که یکی از کارشناسان روابط بین‌الملل اخیراً گفته تفکر جهان‌شهری همواره جنبه پسیفیستی ندارد، بلکه می‌تواند زاینده خشونت باشد. بنابراین نمی‌توان یقین داشت که در چارچوب دموکراسی جهانی نزاع بین بازیگران بین‌المللی به پایان برسد. با این حال، هواداران رویکرد جامعه مدنی جهانی امیدوارند که از طریق برقراری ترتیبات جدید بین‌المللی از شدت منازعات تا حدود زیادی بکاهند. به این منظور، آنان از ضرورت برقراری یک نظم بین‌المللی جدید دفاع می‌کنند. نظمی که مشتمل بر نهادهای کاراتری برای حفظ صلح باشد و در عین حال از اهمیت رقابت ملی کشورها بکاهد، اما به عقیده واقع‌گرایان روابط بین‌الملل چنین آرزوهایی، دست‌کم تا آینده قابل پیش‌بینی، تحقق‌پذیر نیست.

اگر واقع‌گرایان طرح هواداران ملایم‌تر جامعه مدنی جهانی برای برقراری شهروندی جهانی را غیرعملی و تخیلی می‌دانند، در مقابل، گروهی دیگر از هواداران سخت‌تر جامعه مدنی جهانی چنین طرحی را محافظه‌کارانه می‌دانند. آنان معتقدند که در نظام بین‌المللی آینده اصولاً نباید جایی برای دولت باشد و دولت باید کاملاً از مناسبات بین‌المللی حذف شود. از این دیدگاه جامعه مدنی جهانی نه مکمل دولت، بلکه جایگزینی برای آن است. یکی از هواداران پر و پاقرص این دیدگاه تندتر بنام جان هوفمن اخیراً در کتاب خود به نام «حاکمیت» این موضوع را مطرح کرده که در آینده



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

فراملی transnational و فوق ملی supranational دارد. به عبارت دیگر، دموکراسی جهانی در سطحی بالاتر از دموکراسی در چارچوب ملی قرار دارد. تاکنون مباحثی که درباره نظریه دموکراسی وجود داشته، همگی قضیه را در چارچوب ملی آن مطرح می‌کردند، اما به عقیده حامیان نظریه جامعه مدنی جهانی این مفهوم سرزمینی دموکراسی دیگر کفایت نمی‌کند. به طور مثال، دیوید هلد در مقاله دیگری خارج از مجموعه مورد بحث ما این نکته را مطرح می‌کند که دموکراسی در آینده فراگردی دوسویه خواهد بود. به این ترتیب که در یک سطح در چارچوب جوامع ملی تمهید پیدا خواهد کرد، ولی در سطح دیگر در عرض شهرهای ملی و در ورای آنها به جامعه جهانی نظم خواهد بخشید.^۲ در این برداشت جهان به عنوان یک جامعه در نظر گرفته می‌شود. تصور کردن نظام بین‌الملل به عنوان یک جامعه یکی دیگر از ابتکارهای نظریه پردازان اندیشه جهان‌شهری و جامعه مدنی جهانی است.^۳ در ضمن، از این دیدگاه، باید قاعده و نظمی بر این

تعریف حاکمیت نباید با توجه به دولت صورت بگیرد و این احتمال وجود دارد که حاکمیت در بین کشورهای مختلف تقسیم شود و سیاست بین‌الملل فراتر از روابط بین‌الملل قرار گیرد. آنها از یک مفهوم بسادولت‌گرایانه (Post-statist) حاکمیت دفاع می‌کنند.^۴ این دیدگاه سوم در دو دهه اخیر در واکنش به واقع‌گرایی، نهادگرایی و لیبرالیسم نو در روابط بین‌الملل پدید آمد و در حال حاضر، در میان نظریه‌پردازان آنارشویست و پست‌مدرنیست‌ها حامیان زیادی دارد. با وجود این انتقادات به نظر می‌رسد که در مقایسه با دیدگاه سخت‌تر، دیدگاه ملایم‌تر هواداران به مراتب بیشتری داشته باشد. همه کسانی که در کتاب حاضر مقالاتی از آنها درج شده است نیز از دیدگاه ملایم‌تر جانبداری می‌کنند.

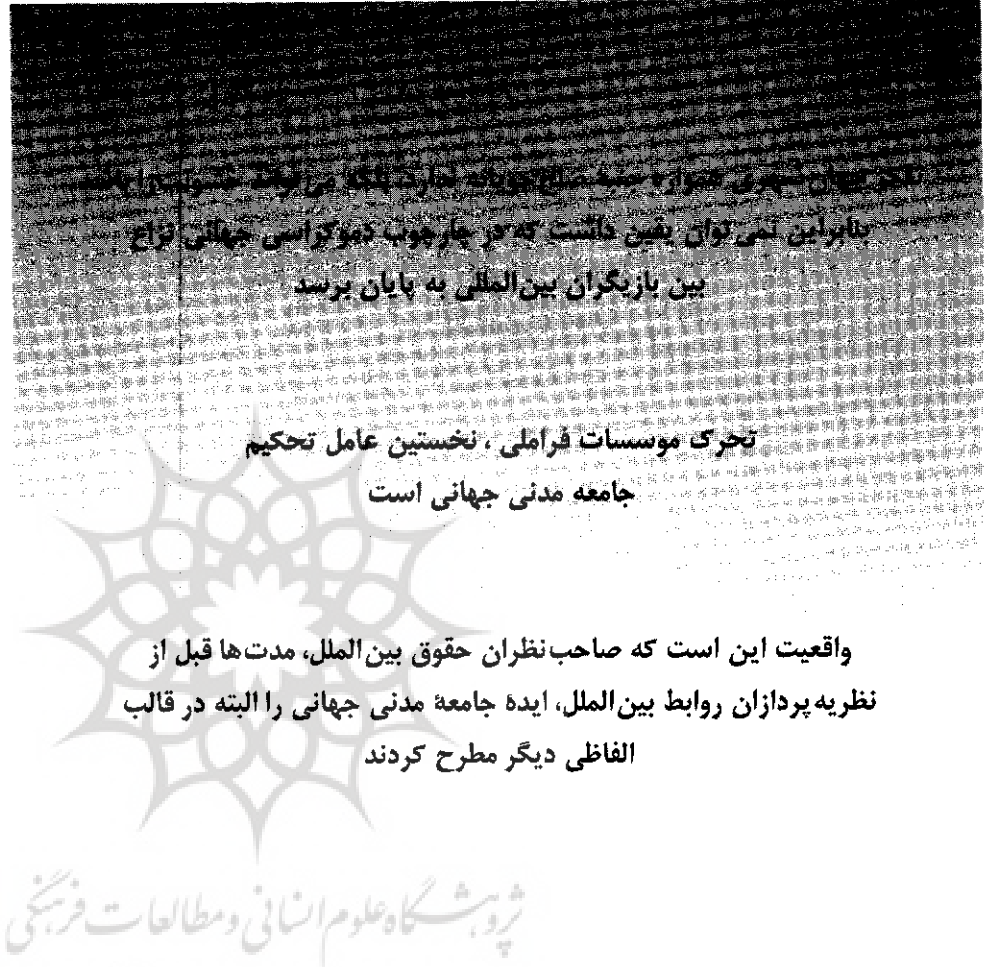
یکی دیگر از ویژگی‌های نظریه‌پردازان جامعه مدنی جهانی آن است که همه آنها از ایده دموکراسی جهانی global democracy جانبداری می‌کنند. این دموکراسی جدید جنبه جهان‌شهری cosmopolitan.

نظریه جامعه مدنی جهانی و شرایط

بین المللی موجود

نظریه پردازان واقع گرایی (رئالیست)، روابط بین الملل معمولاً جهان را به دو حوزه متفاوت تقسیم می کنند. نخست حوزه ای در داخل دولت و دوم حوزه خارج از دولت یا بین دولت ها که همان حوزه روابط بین المللی است (ص ۱۲۰). براین اساس واقع گرایان سعی در تفکیک تحلیلی سیاست داخلی و سیاست خارجی دولت ها دارند. یکی از دلایل رشد نظریات جامعه مدنی جهانی مخدوش و کم رنگ شدن مرز موجود بین سیاست های داخلی و خارجی کشورها است. عوامل متعددی در ایجاد این وضعیت دخیل بوده است. قدرت دولت ها امروزه به شدت تحت تأثیر مناسبات بازار جهانی قرار دارد، ساختار حقوق بین الملل به شدت در حال تغییر است، بسیاری از مسائل زیست محیطی و غیره دیگر در چارچوب های محلی قابل حل نیست. به علاوه تبادلات فرهنگی، فکری و علمی بین مردم اقصی نقاط جهان چنان گسترش یافته که در بسیاری موارد افراد بیش از آن که از عقاید و تفکرات بومی خود تأثیر ببینند، تحت تأثیر افکار و نظرات دیگران هستند. درباره علل و پیامدهای این پدیده نغدهای جامعی صورت گرفته و انتقادهای زیادی درباره آن وجود دارد. به هر حال این روندها موجب افزایش وابستگی های فوق ملی به خصوص اقشار اجتماعی مرفه تر و تحصیل کرده تر این جوامع شده است. این روند، خاص یک یا دو کشور نیست، بلکه اخیراً بسیار شایع شده است. ورنر لوی در مقاله «منافع ملی حیاتی و حقوق بین الملل» در مجموعه حاضر حتی گامی فراتر می گذارد و این نکته را مطرح می کند که به تدریج مصلحت های عمومی فوق ملی در مقیاس جهانی در حال تکوین است که به موازات منافع ملی قرار دارد، اما چرا چنین می شود؟ چرا باید یک مصلحت مشترک شکل بگیرد که هر دولتی در نهایت بتواند در چارچوب آن منافع خود را با منافع سایر دولت ها هماهنگ کند. به عقیده ورنر لوی دلیل این امر آن است که منفعت دولت، فرودتیش را به تدریج از دست می دهد و نمی تواند از منافع مشترک جدید متمایز باشد. پس یک کل تفکیک ناپذیر وجود دارد (ص ۱۷۴). طبق این استدلال، رفاه و بهزیستی یک دولت و منفعت ملی دولت مستلزم رفاه و کامیابی جامعه بین المللی است.

به عقیده هواداران دیدگاه جامعه مدنی جهانی اگر چنین باشد؛ یعنی اگر تحولات ساختاری، تکنولوژیک، فرهنگی و بین المللی صورت گرفته باشد و اگر جهان به سوی دموکراتیک شدن پیش برود و از میزان ستیزه در سطح بین المللی کاسته شود، این همگرایی بین منافع مشترک مردم جهان با مصلحت ها و منافع حیاتی ملت ها بیشتر قابل حصول خواهد بود. آنان همچنین



عقایدی که بیانگر این سوی گیری است، می تواند چپ گرایانه یا راست گرایانه باشد یا آن که منشاء غربی یا غیر غربی داشته باشد. کما این که در مجموعه حاضر، افراد با عقاید مسلکی متفاوت از این نظریه دفاع کرده اند. به طور کلی، حامیان جامعه مدنی جهانی به یک ایدئولوژی خاص وابسته نیستند. نقطه اشتراک آنها در دو چیز است: نخست در جهت فراگذری از نظام بین المللی دولت محور تلاش می کنند دوم، به دنبال برقراری یک نظام جدید شهروندی هستند که در آن شهروندان فعال و اهل عمل، فقط خود را به یک کلیت جغرافیایی خاص وابسته ندانند، بلکه جدا از قطعات سرزمینی خود را تابع یک حاکمیت فوق ملی نیز بدانند. البته در مورد میزان قدرت و اختیارات و شرایط این حاکمیت جدید فراملی و جهانی بین این صاحب نظران اختلاف نظر وجود دارد؛ ولی همه آنها موافقتند که دیگر نمی توان پدیده های سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی را در قالب ملی کشورها بررسی کرد، بلکه چارچوب جهانی را باید در نظر گرفت.

جامعه جدید حاکم باشد که همانا دموکراسی جهانی تعیین کننده آن است. طبعاً طبق چنین طرزتلفی این قاعده باید در سطح جهان پذیرفته شده باشد. در این زمینه یک رشته انتقادهای مطرح شده است به طور مثال، گروهی این موضوع را مطرح می کنند که به طور کلی همه کسانی که از روند جهانی شدن و به تبع آن جامعه مدنی جهانی دفاع می کنند، در واقع می خواهند یک رشته رفتارهای خاص جوامع غربی را بر سراسر جهان حاکم کنند و هدف اصلی، تحمیل یک رشته مناسبات جابجانه به جوامع غیر غربی است. گوردن کریستین سن در مقاله «جامعه مدنی جهانی و حاکمیت حقوق بین الملل» در مجموعه حاضر به این اعتراض ها پاسخ می گوید. به عقیده او مفهوم جامعه مدنی جهانی به مفهومی غربی محدود نمی شود، بلکه نسبتاً مشتمل بر یک مفهوم جهانی است که در آن تنوع و تکرر حیات جهانی، از سلطه دولت های دارای حاکمیت یا نظام دولت های دارای حاکمیت آزادتر می باشد (ص ۲۹).

پیش شرط‌هایی را برای تقویت این روند پیشنهاد می‌کنند. در مقالات کتاب «جامعه مدنی جهانی» برحسب مورد به شماری از این پیش شرط‌ها اشاره شده است و از این پیش شرط‌ها به عنوان مقدمات منطقی تکوین جامعه مدنی جهانی نام برده شده است. در زیر به این پیش شرط‌ها اشاره می‌کنیم. این پیش شرط‌ها نه تنها زمینه‌ساز جامعه مدنی جهانی می‌باشند، بلکه موجب تقویت و تحکیم مبنای آن می‌شوند.

به طور مثال، اسکات تورنر در مقاله «جامعه مدنی جهانی، آناژشی و تدبیر: ارزیابی پارادایم در حال ظهور» تحرک موسسات فراملی را نخستین عامل تحکیم جامعه مدنی جهانی می‌داند (ص ۲۲) به عقیده او مسئله مهم این است که امروزه دولت‌ها این موسسات فراملی را به رسمیت می‌شناسند و برای آن شخصیت حقوقی قائلند (ص ۴۴) جیمز کرافورد در مقاله «حاکمیت و امنیت جهانی» این نکته را اضافه می‌کند که اگر حاکمیت این سازمان‌های غیردولتی پذیرفته شود، مسئله شکل باز هم جدی‌تری پیدا می‌کند (ص ۱۷۸) در کنار آن، باید به نقش فزاینده جنبش‌های جدید اجتماعی اشاره کرد. حتی اگر دولت‌ها به عنوان سردمداران و اجراکنندگان سیاسی باقی بمانند، باز هم جامعه مدنی می‌تواند به نحو فزاینده‌ای جهانی شود و در این زمینه جنبش‌های جدید اجتماعی می‌توانند نقش بسیار حساسی ایفا کنند. جامعه مدنی جهانی می‌تواند براساس همکاری‌های این جنبش‌های داوطلبانه و اقدامات سیاسی مسالمت‌آمیز آنها گسترش پیدا کند (ص ۳۱) مسئله اصلی، موافق یا مخالف دولت بودن این جنبش‌های جدید اجتماعی نیست، بلکه آن است که این تحرک‌ها از مرکزیت نقش دولت در سیاست بین‌المللی می‌کاهد.

پیش شرط دیگری که در همین رابطه می‌توان به آن اشاره کرد، نهادینه شدن بیشتر مناسبات حاکم بر جهان است. تحقق این امر مستلزم پذیرش عمومی یک رشته عرف‌ها و هنجارهای بین‌المللی و استقرار یک رشته نهادها و ترتیبات جدید بین‌المللی است. این موضوع به خصوص مورد توجه آن دسته از نویسندگان مجموعه قرار گرفته که دارای گرایش حقوق بین‌المللی هستند، واقعیت آن است که صاحب‌نظران در رشته حقوق بین‌الملل مدت‌ها قبل از نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل، ایده جامعه مدنی جهانی را البته در قالب الفاظ دیگر مطرح کردند و از این حیث به آنها تقدم دارند. نکته اصلی مورد توجه این حقوق‌دانان، قانون است. از دیدگاه این صاحب‌نظران تداوم جامعه مدنی مستلزم حاکمیت قانون است (ص ۲۸) وگرنه به آسانی به فساد کشیده می‌شود. اینان همچنین به نقش محاکم در اجرای قانون و اعمال پشتیبانی از نهادهای جامعه مدنی جهانی تاکید دارند (ص ۲۸) به طور کلی، کسانی که حاکمیت قانون فراملی

را پیش شرط عمده تداوم جامعه جهانی می‌دانند، در عین حال نهادهای جامعه مدنی جهانی را به عنوان نمایندگان غیرمتمرکز نظم عمومی جهانی به حساب می‌آورند. با توجه به این که بخش بزرگی از نویسندگان کتاب حاضر رویکردی حقوقی به موضوع دارند، طبعاً وزنه این پیش فرض در متن حاضر نسبتاً سنگین است. یکی از کارکردهای پنهان این نهادها ایجاد انسجام در سطح فراملی است. در نهایت، جامعه مدنی جهانی تنها در شرایطی می‌تواند واقعاً شکل بگیرد که جامعه بین‌المللی از یک گروه بدون انسجام و پراکنده دولت‌های دارای حاکمیت مستقل به یک جامعه بین‌المللی فعال تبدیل شود که در آن شهروندان نقش گسترده‌تری داشته باشند. ریچارد فالک یکی از هواداران ملایم جامعه مدنی جهانی در مقاله «نظریه، واقع‌گرایی و امنیت جهانی» که در صفحات بین ۱۳۹ تا ۱۶۳ کتاب حاضر درج شده، کوشید جمع‌بندی از اصول نظرات این دیدگاه در زمینه‌های مختلف ارائه دهد. این جمع‌بندی در جدولی در صفحه ۱۶۳ کتاب چاپ شده است. فالک این خصوصیات متعلق به جامعه مدنی جهانی را مبنای ایجاد یک «نظم‌گرایی جهانی» world orderism می‌داند و معتقد است که این جامعه مدنی فوق‌ملی باید دارای ویژگی‌های زیر باشد. از لحاظ واحد تحلیل، بر جنبش‌های جدید اجتماعی تاکید بگذارد، از لحاظ نظام اطلاعات به ارزش‌های بومی و سنت‌ها وفادار باشد و در مسئله جنگ و صلح هوادار صلح و توسعه و دموکراسی باشد و به جای نخبه‌گرایی به بسیج افراد از پایین باور داشته باشد. در زمینه اقتصادی نیز فالک مانند اغلب هواداران رویکرد جامعه مدنی جهانی بر عناصری مانند لزوم از میان برداشتن نابرابری‌های اقتصادی و برقراری رفاه و عدالت اجتماعی تاکید دارد و معتقد است که بدون وجود این پیش شرط‌های اقتصادی نمی‌توان از جامعه مدنی جهانی سخن گفت. از این رو، او میان پدیده جهانی شدن و جامعه مدنی جهانی تفکیک قائل می‌شود. اینها همه ویژگی‌هایی است که دست‌کم نمی‌توان گفت ویژگی نظام بین‌المللی فعلی را تشکیل می‌دهند، ولی حامیان جامعه مدنی جهانی امیدوارند روزی پایه نظام جهانی آینده را بسازد.

نکاتی درباره ترجمه

باید اذعان کرد که کتاب «جامعه مدنی جهانی» - تا آنجا که نگارنده آگاهی دارد - مفصلترین مجموعه موجود در این زمینه در زبان فارسی است. البته به تفاریق مقالاتی درباره این موضوع در اینجا و آنجا تألیف یا ترجمه شده است ولی تعداد آنها انگشت‌شمار بوده است. به همین دلیل باید از آقای شریفی طرازکوهی تشکر کرد که موجبات انتشار مجموعه‌ای با این وسعت را فراهم آورده‌اند، به صورتی که خواننده فارسی‌زبان بتواند با

دیدگاه‌های هواداران این رویکرد آشنا شود. در کنار این موضوع، لازم می‌دانیم که در خاتمه به دو نکته اشاره کنیم. البته هیچ یک از این دو نکته از ارزش این مجموعه نمی‌کاهد. مسئله نخست به انتخاب‌های مترجم و پدیدآورنده محترم مربوط می‌شود. باید گفت که نام چند تن از صاحب‌نظران معروف جامعه مدنی جهانی در کتاب خالی است. برای مثال، می‌توان به یوهان گالتونگ، پال هیرست و گراهام تامپسون اشاره کرد. از دیوید هلد که بدون شک جزء شاخص‌ترین افراد در این زمینه است نیز به درج یک مناظره اکتفا شده است. شاید بهتر بود یکی از مقالات متعددی که وی در این زمینه تألیف کرده در مجموعه حاضر گنجانیده می‌شد.

نکته دوم به ترجمه مربوط می‌شود. با توجه به تاژگی اصطلاحات استفاده شده در کتاب و فقدان یک معادل شناخته شده برای این واژه‌ها در زبان فارسی، طبیعی است که در زمینه معادل‌یابی اختلاف سلیقه‌هایی بروز کند. نگارنده به طور مشخص فقط به دو اصطلاح اشاره می‌کند. یکی از این واژه‌ها Constructivism است. این واژه نام یکی از مکتب‌های جدید روابط بین‌الملل را تشکیل می‌دهد. مترجم در صفحه ۲۲۲ معادل «تکوین‌گرایی» را برای این واژه انتخاب کرده است. ولی با توجه به این که مفهوم تکوین را معمولاً با واژه‌های genesis و genetic می‌شناسیم، شاید بهتر باشد از معادل شناخته شده‌تر «سازه‌گرایی» یا «سازنده‌گرایی» استفاده کنیم. به جای اصطلاح «جهان‌گرایی» برای cosmopolitanism شاید گویاتر باشد که از واژه «جهان شهری‌گری» استفاده کنیم. (ص ۱۱۹) و چند جای دیگر (زیرا اولاً این معادل با ترکیب اصلی انگلیسی قرابت بیشتری دارد و از سوی دیگر جهان‌گرایی را معمولاً به جای globalism به کار می‌برند.

پاورقی:

۱) Tony Coates, 'Neither Cosmopolitanism nor realism', in Barry Holden edited, Global democracy, London: Routledge, 2000, P. 96.

۲) John Hoffman, Sovereignty, Buckingham: Open University Press, 1998, P. 64

۳) David Held, 'The Changing Contours of Political Community' in Barry Holden, P. 46

۴) N. J. Renger, International relations, Political theory and the Problem of order, London: Routledge, 2000, P23